

قانونگذاری ناظر بر مکلف، موضع مکانی و حدود پوشش شرعی بر مبنای فتوای نادر کارآمد

عبدالله بهارلویی

استادیار، گروه حقوق اسلامی، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران.

abdollahbaharloeae@yahoo.com

علیرضا جعفرزاده بهاء‌آبادی (نویسنده مسئول)

دانشجوی دکترای حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران.

ar.jafarzadeh@ut.ac.ir

## قابل انتشار در دوره ۲۵، شماره ۶۸ (زمستان ۱۴۰۵) نشریه پژوهش‌های حقوقی

### چکیده

تقنین در حوزه پوشش شهروندان بر مبنای موازین شرعی، موضوعی است که نمی‌توان چالش‌های جدی آن ناشی از عواملی همچون تهاجم فرهنگ غربی پوشش در جوامع اسلامی را انکار کرد. فقیهان شیعه پیرامون «مکلفین»، «موضع مکانی» و «حدود» پوشش شرعی اسلام دیدگاه‌های متفاوتی دارند که برخی از آنها مشهور و برخی دیگر ممکن است بر مبنای حکم اولی یا ثانوی، نادر و شاذ باشد. مبتنی بر این می‌توان این پرسش را مطرح ساخت که آیا می‌توان تقنین در سه حوزه مخاطبین، اماکن و حدود الزام پوشش شرعی را نه مبتنی بر دیدگاه‌های فقهی مشهور و رایج بلکه بر مبنای دیدگاه فقهی نادر اما کارآمد و عملیاتی‌تر فقیهی متعهد و پرهیزگار بنیان نهاد؟ پژوهش پیش‌رو با بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای و اتخاذ رویکرد توصیفی - تحلیلی، به این نتیجه رسیده که در فرض حاضر یعنی وجود فتوایی کارآمد و متناسب با اقتضائات و مصالح روز، در سه حوزه مزبور، می‌توان مستند به آن و بدون پیش‌آمد مغایرت با قانون اساسی (مانند اصول ۴ و ۷۲) اقدام به قانون‌گذاری کرد، اگرچه فتوای مذکور نادر، شاذ و متعلق به فقیه واحدی باشد. در نظام حقوقی کشورهای اسلامی دیگر نیز، مشابه این رویکرد برای حل معضلات تقنینی به چشم می‌خورد.

**واژگان کلیدی:** پوشش شرعی، حکومت اسلامی، فتوای نادر، فتوای کارآمد، قانون‌گذاری

## مقدمه

پوشش شرعی یا همان حجاب از ضروریات دین اسلام<sup>۱</sup> و مورد اتفاق همه مذاهب است.<sup>۲</sup> منظور از «ضروریات دین» اموری است که همه، اعم از عالم و غیرعالم، می‌دانند جزء دین است.<sup>۳</sup> قرآن کریم نیز در آیاتی به مسئله پوشش شرعی زنان<sup>۴</sup> و مردان<sup>۵</sup> مسلمانان پرداخته و کلیاتی را در این زمینه تعیین نموده است. مضاف بر قرآن، منظومه روایی شیعه (و سنی) نیز مملو از دستورات و توصیه‌های فقهی و اخلاقی درخصوص پوشش و پوشیدگی مردان و زنان مسلمان است.<sup>۶</sup> بر پایه همین ضرورت دینی و فقهی پوشش شرعی در تمام مذاهب فقهی اسلام است که، فقیهان (اعم از شیعه و سنی) همواره درباره مقدار و میزان و نه اصل آن به بحث و استنباط می‌نشینند. ضرورت فقهی حجاب در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، در نظرات فقهی شورای نگهبان نیز انعکاس یافته است که برای نمونه می‌توان به نظر این شورا<sup>۷</sup> درخصوص «لایحه الحاق جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان» اشاره نمود که تصریح می‌کند: «این مصوبه با حکم بعضی از ضروریات اسلام مانند ارث، قصاص، دیه، طلاق، شهادت، سن بلوغ، محرمی و نامحرمی، حجاب، تعدد زوجات و... مغایرت دارد.»

قانون‌گذاری بر مبنای قرآن و سنت و پیاده‌سازی احکام شرعی و تبعاً نظارت فقها و اسلام‌شناسان بر این فرایند، از مهم‌ترین وظایفی است که حکومت اسلامی برای خود ترسیم کرده است.<sup>۸</sup> از این رو تردیدی نیست که تقنین و اجرا براساس موازین شرع، مهم‌ترین هنجار پذیرفته‌شده در نظام حقوقی جمهوری اسلامی است و «حکم و جوب پوشش شرعی برای شهروندان» نیز، از این قبیل به‌شمار می‌رود. استوار بر این می‌توان این پرسش را مطرح نمود که «آیا می‌توان در سه حوزه مخاطب، موضع و حدود پوشش شرعی، فتوای نادر کارآمد را مبنای تقنین قرار داد و براساس آن، قانونی مغایر دیدگاه‌های فقهی مشهور و رایج به-تصویب و اجرا رساند؟»

ضرورت پرداختن به این پرسش با توجه به چالش‌های تقنینی روز پوشش شرعی، بدین جهت است که از یک سو، پیاده‌سازی احکام شرعی پوشش، در زمره مهم‌ترین رسالت حکومت اسلامی است و از سوی دیگر در فرضی، دیدگاه نادر فقهی پرهیزگار و متعهد، بیش از سایر دیدگاه‌ها با واقعیت‌های جامعه و اقتضائات تقنین تناسب دارد. در چنین فرضی، در صورت تجویز تقنین بر مبنای فتوای شاذ کارآمد، نه قانون‌گذاری ناظر به پوشش شهروندان حکومت اسلامی با چالش‌هایی همچون عدم مقبولیت اجتماعی مواجه می‌شود و نه می‌توان مدعی عدم پیاده‌سازی احکام شرعی در حوزه پوشش شد.

۱. حسین علی منتظری، رساله توضیح المسائل، چاپ بیست و یکم، (تهران: انتشارات سزایی، ۱۳۸۱) ۴۵۷.

۲. وهبه‌بن مصطفی الزحیلی، الفقه الاسلامی و ادلته، چاپ چهارم، جلد ۱ (دمشق: دارالفکر، ۱۴۰۹ق)، ۷۴۶.

۳. ناصر مکارم شیرازی، استفتائات جدید، چاپ دوم، جلد ۳ (قم: مدرسه امام علی بن ابی‌طالب (علیه‌السلام)، ۱۴۲۷ق)، ۳۸۳.

۴. مانند آیات ۳۱ سوره نور و ۳۳، ۵۳، ۵۵ و ۵۹ سوره احزاب.

۵. مانند آیات ۳۰ سوره نور و ۳۱ سوره اعراف.

۶. برای نمونه مراجعه شود به: محمدبن حسن حر عاملی، تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، جلد ۲۰ (قم: مؤسسه آل‌البیت (علیهم‌السلام) لإحياء التراث، ۱۴۱۶ق)، ۱۹۴ و ۱۹۳، ۲۳۶-۳۵، ۲۰۵-۲۰۲، ۲۲۹ و ۲۲۸.

۷. نظر ۸۲/۳۰/۳۹۷۲ شورای نگهبان مورخ ۱۳۸۲/۵/۲۷، قابل مشاهده در لینک مقابل: [www.B2n.ir/y18189](http://www.B2n.ir/y18189)

۸. مقدمه قانون اساسی.

موضوع این پژوهش هرچند ارتباط بسیاری با مباحث «فتوای معیار» و «نقض مصلحت در تقنین» پیدا می‌کند که در پژوهش‌های متعددی مانند «نحوه حضور فتوای معیار در فرآیند قانون‌گذاری در دولت اسلام» اثر «رحمان نجار آلانق» و «جایگاه مصلحت در قانون‌گذاری کیفی ایران» اثر «حمید دهقان چاچکامی» از زوایایی مورد بررسی قرار گرفته است، اما پژوهش حاضر از آنجا که مشخصاً ساحات مقوله «تقنین در حوزه پوشش شهروندان حکومت اسلامی» را بررسی می‌کند، از دیگر آثار مشابه تمایز یافته و در نوع خود اولین است. با وجود اینکه در زمینه موضوع «فتوای معیار در تقنین» آثار و تحقیقات قابل توجهی وجود دارد،<sup>۹</sup> اما تعریف مشخصی از این اصطلاح ارائه نشده است؛ گویی عنوان به حدی گویا و مبرهن دیده شده، که مستغنی از تعریفی جامع و مانع، بسان دیگر اصطلاحات مشابه دانسته شده است. یکی از صاحب‌نظران بحث خود در این موضوع را با این پرسش آغاز می‌کند که «کدام فتوا باید ملاک تدوین و تصویب قوانین در نظام جمهوری اسلامی ایران باشد؟»<sup>۱۰</sup> اما با عنایت به ماهیت موضوع و بحث‌های شکل‌گرفته پیرامون آن می‌توان گفت: فتوای «معیار» فتوایی است که برآمده از واقعیت اختلاف فتاوی میان فقیهان و نیز الزام قانون اساسی به «بر اساس موازین اسلامی» بودن «کلیه قوانین و مقررات»، در فرآیند قانون‌گذاری به عنوان مبنا و معیار قرار می‌گیرد. «فتوای ولی فقیه»، «فتوای مشهور»، «فتوای فقیه اعلم»، «فتوای اسهل»، «فتوای احوط»، «فتوای کارآمد»، «فتوای هر یک از فقها» و «فتوای فقهای شورای نگهبان»، هشت دیدگاه‌ها مطرح شده در این زمینه است. مبحث پیش رو اما، هرچند با یک نگاه ایده «فتوای نادر کارآمد» را به عنوان فتوای معیار معرفی می‌کند، اما این امر به هیچ وجه مطلق نیست و اختصاصاً حوزه تقنین در پوشش و در فرض ناکارآمدی و خلاف مصلحت بودن فتاوی غیر نادر را بررسی می‌کند. لذا چنان که می‌آید، «مصلحت» تنها مجوز و شاخصه التجای به فتوای نادر است.

در ادامه، ابتدا نگاه فقه امامیه در خصوص مکلفین، موضع مکانی و نیز حدود و موازین پوشش شرعی شهروندان حکومت اسلامی (اعم از مسلمان و غیرمسلمان، ایرانی و غیرایرانی و مرد و زن) مورد بررسی قرار می‌گیرد و در نهایت، به پرسش اصلی یعنی تأثیر «مصلحت» و «کارآمدی» در انتخاب و اولویت یافتن مبنای فقهی شاذ برای تقنین، پرداخته می‌شود.

## ۱. مکلف پوشش شرعی

مکلفین به پوشش شرعی در حکومت اسلامی را می‌توان در دو دسته کلی مسلمانان و غیرمسلمانان جای‌گذاری کرد.

### ۱-۱. مسلمانان

در شریعت اسلام، انسان‌ها از زمانی که به سن بلوغ می‌رسند، مکلف و مخاطب تمام احکام اسلامی خواهند بود. فقهای شیعه سن بلوغ در پسران را ۱۵ سال تمام قمری (مساوی با اتمام حدود ۱۴ سال و ۶ ماه و ۱۲ روز شمسی) می‌دانند. هرچند این

<sup>۹</sup> برای نمونه: محسن جهانگیری و محمدعلی بنایی خیرآبادی، «فتوای معیار در قانون‌گذاری؛ انطباق با مصالح الزامی»، آموزه‌های فقه مدنی، شماره ۲۳، (۱۴۰۰)، صص ۹۱-۱۱۸ و هادی حاج‌زاده، «فتوای معیار در قانون‌گذاری در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران (نگاهی دوباره به مفهوم اعلیّت در منظومه فقه حکومتی شیعه)، فقه و اصول، شماره ۳، (۱۳۹۴)، صص ۵۹-۸۷.

<sup>۱۰</sup> ارسطو، محمدجواد. «فتوای معیار در قانون‌گذاری». فقه حکومتی، شماره ۷، (۱۳۹۸)، ص

نظر مشهور میان فقها است،<sup>۱۱</sup> اما برخی از آنها نیز سن بلوغ را آغاز ۱۵ سالگی<sup>۱۲</sup> و برخی دیگر آغاز ۱۴ سالگی<sup>۱۳</sup> دانسته‌اند. درخصوص سن بلوغ دختران نیز دیدگاه مشهور، آن را پایان ۹ سالگی قمری (مساوی با پایان حدود ۸ سال و ۸ ماه و ۲۰ روز شمسی<sup>۱۴</sup>) و برخی دیگر آن را ۱۰ سالگی<sup>۱۵</sup> و بعضاً ۱۳ سالگی<sup>۱۶</sup> دانسته‌اند. کودکان تا پیش از این سن، مکلف نبوده و خطاب احکام شرعی شامل آنها نیست؛ لذا موظف به رعایت احکام مزبور نخواهند بود.<sup>۱۷</sup> همچنین، تکلیف داشتن و مکلف گشتن به غیر از بلوغ، شرایط دیگری نیز دارد که می‌توان به عقل (هوشیاری) و قدرت اشاره نمود.<sup>۱۸</sup> بنابراین علاوه بر کودکان، دیوانگان و افراد مضطر و مجبور<sup>۱۹</sup> و مانند آنها نیز مکلف نیستند. در منابع فقهی این افراد را ذیل «حدیث رفع»<sup>۲۰</sup> از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) مورد بررسی قرار می‌دهند. مختصر آنکه، بنابر تصریح فقها، بر هر مکلفی (جز زن و شوهر) رعایت احکام الزامی پوشش شرعی واجب است.<sup>۲۱</sup>

ناگفته نماند که مبتنی بر تجویز قرآنی،<sup>۲۲</sup> رعایت پوشش فقهی کامل (مانند مو و بازو) برای پیرزن‌های دارای کهولت سن و ناامید از ازدواج، واجب نیست. این معافیت مشروط به آن است که با این کار، قصد خودنمایی نداشته باشند.<sup>۲۳</sup>

## ۲-۱. غیرمسلمانان

تکلیف به پوشش هرچند از اساس برای مسلمانان است، اما افراد غیرمسلمان تحت سیطره حکومت اسلامی نیز مطابق دیدگاه مشهور فقه جعفری، ملزم به رعایت موازین شرعی پوشش خواهند بود. فقهای شیعه، حکم مذکور را در چهارچوب قاعده مشهور و اجماعی «الکفار مکلفون بالفروع کما أنهم مکلفون بالاصول» مطرح نموده‌اند که براساس آن، کفار نیز درواقع، از تکالیف الهی مستثنی نیستند.<sup>۲۴</sup> مبتنی بر این قاعده، اساساً هر انسان بالغ و عاقلی مکلف است به خداوند و پیامبر (صلی الله علیه و آله)

۱۱. جعفرین حسن محقق حلی، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، چاپ دوم، جلد ۲ (تهران: استقلال، ۱۴۰۹ق)، ۸۵.

۱۲. یوسف بن احمد بحرانی، الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، جلد ۲۰ (قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۵ق)، ۳۵۰.

۱۳. احمد بن محمد مقدس اردبیلی، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان، تحقیق: عراقی، مجتبی. چاپ چهارم، جلد ۹ (قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۹۲)، ۱۹۱ و ۱۹۰.

۱۴. جعفرین حسن محقق حلی، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، چاپ دوم، جلد ۲ (تهران: استقلال، ۱۴۰۹ق)، ۸۵.

۱۵. محمد بن حسن طوسی، المبسوط فی فقه الإمامیه، چاپ سوم، جلد ۱، (تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، ۱۳۸۷ق)، ۲۶۶.

۱۶. یوسف صاعی، بلوغ دختران (فقه و زندگی ۷)، (قم: فقه‌التقلین، ۱۳۸۵)، ۳۵.

۱۷. سیدروح‌الله موسوی خمینی، تحریر الوسیله (تک‌جلد)، (تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی<sup>(ه)</sup>، ۱۴۲۱ق)، ۷۰۰.

۱۸. از این شرایط در منابع فقهی با عنوان «شرایط عامه تکلیف» یاد می‌شود (علی مشکینی، اصطلاحات الاصول، چاپ پنجم، (قم: نشر الهادی، ۱۳۷۱)، ۱۲ و ۱۳).

۱۹. یکی از مصادیق موضوع این پژوهش می‌توان دیدگاه نادر آیت‌الله مکارم شیرازی در تجویز کشف حجاب در مکان خاص (مکلف، موضع مکانی و حدود پوشش شرعی) باشد که فرض کارآمدی آن در تقنین مربوطه امکان‌پذیر است. مراجعه شود به: <https://B2n.ir/j71701>

۲۰. محمد بن حسن حر عاملی، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، جلد ۱۵ (قم: مؤسسه آل‌البیت (علیهم‌السلام) لإحياء التراث، ۱۴۱۶ق)، ۳۶۹.

۲۱. سید محسن حکیم، مستمسک العروة الوثقی، جلد ۲ (قم: چاپ افست، ۱۴۰۴ق)، ۱۸۹.

۲۲. سوره نور (۲۴)، ۶۰.

۲۳. محمد حسن نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، چاپ هفتم، جلد ۲۹ (بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۴ق)، ۸۵.

۲۴. یوسف بن احمد بحرانی، الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، جلد ۳ (قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۵ق)، ۳۹.

ایمان بیاورد و این تکلیف، از تکلیف به لوازم آن جدا نیست.<sup>۲۵</sup> به عبارتی دیگر، مقتضی تکلیف برای افراد غیرمسلمان نیز وجود دارد و مانع متصور (کفر)، مانعیتی ندارد.<sup>۲۶</sup> بدین ترتیب، غیرمسلمانان نیز نسبت به رعایت موازین شرعی پوشش شرعی اسلام ملزم خواهند بود.<sup>۲۷</sup>

آیت‌الله نوری همدانی در پاسخ به استفتایی در این زمینه می‌نویسد: «هر حکمی برای مؤمنین و مسلمانان ثابت است، دیگران نیز مکلف به آن هستند (الکفار مکلفون بالفروع کما انهم مکلفون بالأصول)، بنابراین آنها هم (زنان غیرمسلمان ساکن در کشور اسلامی) موظف به حکم حجاب و گناهان دیگر هستند.»<sup>۲۸</sup> همچنین آیت‌الله صافی گلپایگانی<sup>(ع)</sup> در راستای تأکید بر لزوم رعایت احکام پوشش اسلامی توسط توریست‌ها می‌نویسد: «افراد توریست، از جهت حکم فقهی حجاب، تابع دین خود هستند؛ لکن همان‌گونه که ملزم به رعایت دیگر قوانین کشور هستند، نباید اجازه داده شود برخلاف ارزش‌های دینی و فرهنگی کشور اقدام کنند، و موجب اشاعه فساد و ابتذال اخلاقی شوند.»<sup>۲۹</sup> وی در موضع دیگری تأکید می‌کند: «در قلمرو جامعه اسلامی همه افراد (چه مسلمان و چه غیرمسلمان) ملزم به رعایت احکام اسلامی بوده و تخلف از آنها جایز نیست.»<sup>۳۰</sup>

بنابراین، برخلاف دیدگاه برخی،<sup>۳۱</sup> در دیدگاه رایج رعایت موازین شرعی حجاب بر غیرمسلمانان تحت حاکمیت حقوقی حکومت اسلامی، ضروری و لازم است. «لزوم اعمال الزام به پوشش اسلامی، بر کلیه افراد تحت سلطه حاکمیت حقوقی جمهوری اسلامی ایران»<sup>۳۲</sup> در نظام حقوقی کنونی جمهوری اسلامی ایران امری پذیرفته‌شده است و قوانین موجود در این زمینه، با عمومیت خود، تفاوتی میان مسلمان و غیرمسلمان قائل نیستند.

<sup>۲۵</sup> علی فرحی، تحقیق در قواعد فقهی اسلام، (تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)، ۱۳۹۰)، ص ۹.

<sup>۲۶</sup> احمدبن محمد مهدی نراقی، عوائدالایام فی بیان قواعد الاحکام و مهمات مسائل الحلال و الحرام، (قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵)، ۱۸۸.

<sup>۲۷</sup> برای مطالعه بیشتر در این زمینه مراجعه شود به: میثم شعیب، «واکاوی ادله تکلیف کفار به فروعات در احکام شرعی»، دوفصلنامه پژوهشنامه فقهی، شماره اول، (۱۳۹۵)، ۸۹-۱۱۵.

<sup>۲۸</sup> مراجعه شود به لینک مقابل: [www.B2n.ir/f79974](http://www.B2n.ir/f79974)

<sup>۲۹</sup> مراجعه شود به لینک مقابل: [www.B2n.ir/r04725](http://www.B2n.ir/r04725)

<sup>۳۰</sup> نیز مراجعه شود به لینک مقابل: [www.B2n.ir/n04737](http://www.B2n.ir/n04737)

<sup>۳۱</sup> محمد روشن، «محدوده حجاب جهان‌گردان و اتباع بیگانه در کشورهای اسلامی»، حجاب؛ مسئولیت‌ها و اختیارات دولت اسلامی. تدوین: ابراهیم شفیعی سروستانی، (قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷)، ۶۰۵ و سهیلا صلاحی اصفهانی و اعظم فراس، «نگاهی دوباره به پوشش زنان جهان‌گرد»، حجاب؛ مسئولیت‌ها و اختیارات دولت اسلامی. تدوین: ابراهیم شفیعی سروستانی، (قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷)، ۶۲۹.

<sup>۳۲</sup> نگاهی به عمومیت قوانین و مقررات موجود درباره پوشش، به‌روشنی بر پذیرش و لزوم اجرایی‌سازی این رویکرد (لزوم الزام تمام افراد تحت تسلط، به دستورات الهی پوشش، اعم از ایرانی مسلمان و غیر آن) در نظام حقوقی ایران دلالت دارد. در این راستا، «آیین‌نامه اجرایی بازی‌های همبستگی بانوان کشورهای اسلامی» که ضوابط پوشش اسلامی را برای کلیه شرکت‌کنندگان در مسابقات (اعم از ایرانی و غیرایرانی و مسلمان و غیرمسلمان) وضع می‌کرد، (شادی صدر، مجموعه قوانین و مقررات پوشش در جمهوری اسلامی ایران، (تهران: کتاب نیلی، ۱۳۸۹)، ۱۸۰-۱۷۲) شایان توجه است.

## ۲. موضع مکانی پوشش شرعی

احکام شریعت اسلامی پیرامون پوشش افراد، بسته به موقعیت مکانی و نسبت اشخاص حاضر با فرد مکلف، متفاوت خواهد بود. از این رو میزان و حدود پوشش الزامی اشخاص در همه جایگاه‌ها یکسان نیست و نمی‌توان در تحلیل ارتباط حکومت اسلامی و پوشش شهروندان، تمامی حالت‌های متصور در حکم را، دارای وحدت حکم انگاشت. لذا در ادامه تمامی فروض موضع مکانی در خصوص پوشش شرعی، به منظور برجسته‌سازی حوزه اصلی تقنین (جامعه) مورد اشاره قرار می‌گیرد.

### ۱-۲. خلوت و نزد همسر

از منظر فقه جعفری، پوشش شرعی ایجابی (پوششی که لزوماً باید باشد)<sup>۳۳</sup> در خلوت<sup>۳۴</sup> و در نزد همسر<sup>۳۵</sup> واجب نیست.<sup>۳۶</sup> بدیهی است که الزام فقهی مورد بحث را نباید با توصیه‌های اخلاقی و معنوی در خصوص حیا و پوشش خلط کرد.

### ۲-۲. نزد محارم غیرهمسر

مقصود از محرم کسی است که ازدواج با وی<sup>۳۷</sup> از جهت نسب، سبب یا رضاع، حرام است.<sup>۳۸</sup> در خصوص میزان پوشش واجب زن در برابر محارم غیر از همسر، چهار دیدگاه ذیل از قول فقها<sup>۳۹</sup> نقل شده است:

- ۱) تنها پوشاندن عورت واجب است. این دیدگاه در فقه امامیه مشهور،<sup>۴۰</sup> قطعی،<sup>۴۱</sup> اجماعی<sup>۴۲</sup> و به ادعای صاحب جواهر از ضروریات<sup>۴۳</sup> است. پیرامون حدود عورت در برابر محارم، میان فقها اختلاف نظر وجود دارد، اما مشهور آن را (مشروط به عدم پیش‌آمد مفسده) تنها پس و پیش<sup>۴۴</sup> دانسته‌اند.<sup>۴۵</sup>

<sup>۳۳</sup>. برای اخراج پوششی که لزوماً نباید باشد (سلبی) مانند پوشش «شهرت».

<sup>۳۴</sup>. علی‌بن‌حسین کرکی، جامع المقاصد فی شرح القواعد، چاپ دوم، جلد ۲ (قم: مؤسسه آل‌البیت (علیه‌السلام)، ۱۴۱۴ق)، ۹۳ و ۹۲.

<sup>۳۵</sup>. سیدروح‌الله موسوی خمینی، تحریرالوسیله (دوجلدی)، چاپ چهارم، جلد ۲ (تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۹۴)، ۲۳۱.

<sup>۳۶</sup>. در خصوص لزوم پوشش شرمگاه زن از مرد (نه مرد از زن)، سه دیدگاه اباحه، کراهت و حرمت در میان فقها وجود دارد؛ هرچند قول به اباحه مشهور است (به ترتیب: جعفرین حسن محقق حلی، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، چاپ دوم، جلد ۲، (تهران: استقلال، ۱۴۰۹ق)، ۴۹۵، محمدبن‌حسن طوسی، الخلاف، چاپ دوم، جلد ۴ (قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸)، ۲۴۹، احمدبن‌محمد ابن‌فهد حلی، المهذب البارع فی شرح المختصر النافع، جلد ۳ (قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ق)، ۲۰۷).

<sup>۳۷</sup>. جمال‌الدین‌بن‌عبدالله فاضل مقداد، التنقیح الرائع لمختصر الشرائع، جلد ۲ (قم: مکتبه آیت‌الله المرعشی النجفی (ره)، ۱۴۰۴ق)، ۲۲.

<sup>۳۸</sup>. سیدروح‌الله موسوی خمینی، تحریرالوسیله (تک‌جلد)، (تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۴۲۱ق) ۶۹۹ و خلیل‌بن‌احمد فراهیدی، کتاب العین، جلد ۳ (بیروت: دار و مکتبه الهلال، بی‌تا)، ۲۲۱.

<sup>۳۹</sup>. ناصر مکارم شیرازی، کتاب‌النکاح، جلد ۱ (قم: مدرسه الامام علی بن ابی‌طالب (علیه‌السلام)، ۱۴۲۴ق)، ۲۱.

<sup>۴۰</sup>. سیدعلی طباطبایی حائری، ریاض المسائل فی تحقیق الأحکام بالدلایل، جلد ۱۱ (قم: مؤسسه آل‌البیت (علیه‌السلام) لاحیاء التراث، ۱۴۱۸ق)، ۴۵.

<sup>۴۱</sup>. محمدبن‌علی موسوی عاملی، نه‌ایة المرام فی شرح مختصر شرایع الاسلام، جلد ۱ (قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۳ق)، ۵۵.

<sup>۴۲</sup>. محمدبن‌حسن فاضل هندی، کشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحکام، جلد ۲ (قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۶ق)، ۹.

<sup>۴۳</sup>. محمدحسن نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، چاپ هفتم، جلد ۲۹ (بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ق)، ۷۲.

<sup>۴۴</sup>. پس و پیش مترادف و معادل فارسی واژگان فقهی «قُبُل» و «دُئِر» هستند که مراد از هر کدام به ترتیب «اندام تناسلی مردانه یا زنانه» و «مخرج غائط» است.

<sup>۴۵</sup>. رضا حق‌پناه و مزینان محمدزاده، «واکاوی دیدگاه فقیهان امامیه در حد پوشش محارم»، آموزه‌های فقه عبادی، شماره ۴، (۱۴۰۱)، ۴۰.

۲) پوشیدن تمام بدن واجب است جز محاسن خاصه (مواضع زینت). مقصود از محاسن خاصه، موهای سر، مقداری از سینه، تمام گردن، صورت، مقداری از ساعد و میچ دست که محل بستن دستبند است، بازو و مقداری از ساق پا است که محل بستن خلخال می‌باشد.

۳) پوشیدن تمام بدن واجب است جز وجه، کفین و سینه (صرفاً در زمان شیر دادن به نوزاد).

۴) پوشیدن تمام بدن واجب است.

«غیرالاولی الإربه» که مطابق آیه ۳۱ سوره نور، پوشاندن از آن برای زن واجب نیست<sup>۴۶</sup> را نیز، می‌توان به دسته دوم (محارم غیرهمسر) ملحق نمود.

### ۳-۲. کودک ممیز

حکم پوشش شرعی در برابر کودک ممیز به دلیل برداشت‌های متفاوت از مفاد آیه ۳۱ سوره نور همواره در میان فقها محل اختلاف نظر بوده است.<sup>۴۷</sup> در آراء فقهای معاصر<sup>۴۸</sup> هم وجوب، هم احتیاط واجب، هم استحباب<sup>۴۹</sup> و هم اباحه مشروط (به عدم مفسده و تحریک شهوانی) به چشم می‌خورد. این حکم از باب نمونه، برای بانوانی در که مهدکودک‌ها شاغل هستند، درخور نگرش و در تحلیل‌های آتی قابل توجه است.

### ۴-۲. جامعه (غیرمحارم)

چنان‌که گذشت، زن و مرد در غیر حالت خلوت و در جایی که غیرمحارم<sup>۵۰</sup> وی (صرفاً همسر برای مرد<sup>۵۱</sup> و همسر و دیگر محارم برای زن) و غیرهم‌جنس وی (صرفاً زن و نه مرد) حضور دارند، موظف به رعایت پوشش واجب است. از این موقعیت می‌توان به موقعیت اجتماعی یا جامعه تعبیر کرد که اعم از جزء<sup>۵۲</sup> و کل<sup>۵۳</sup> آن است. آنچه که بیش از هر حالت و موقعیتی در پوشش اسلامی مدنظر اسلام قرار گرفته، پوشش افراد در سطح جامعه است که طبعاً حوزه قاعده‌گذاری نیز همین قسم را در نظر دارد.

<sup>۴۶</sup>. محمدحسن نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، چاپ هفتم، جلد ۲۹ (بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۴ق)، ۹۶-۹۴.

<sup>۴۷</sup>. محمدحسن نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، چاپ هفتم، جلد ۲۹ (بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۴ق)، ۸۲.

<sup>۴۸</sup>. لطیف راشدی، رساله توضیح‌المسائل نه مرجع، چاپ هفتم، (تهران: پیام عدالت، ۱۳۹۱)، ۱۳۴۷-۱۳۴۶.

<sup>۴۹</sup>. برای نمونه مراجعه شود به لینک مقابل: [www.B2n.ir/n91344](http://www.B2n.ir/n91344)

<sup>۵۰</sup>. مقصود از نامحرم هر بیننده بالغ و نیز نابالغ ممیز به‌جز شوهر و محارم است (محمدحسن نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، چاپ هفتم، جلد‌های ۲ و ۲۹ (بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۴ق)، ۴ و ۷۵-۸۰).

<sup>۵۱</sup>. حدود پوشش واجب مرد در جامعه، می‌تواند بنا بر مصالحی از اصل اولی پوشش حداقلی فراتر رود و مقداری بیش از آن واجب گردد؛ چنانکه در فتاوی برخی از جمله آیت‌الله مکارم شیرازی آمده است. مراجعه شود به: [www.B2n.ir/m64337](http://www.B2n.ir/m64337)

<sup>۵۲</sup>. مانند محل کار که محدود به حضور تنها یک یا چند نامحرم است.

<sup>۵۳</sup>. مانند خیابان و بازار که تعداد غیرمحارم بسیار زیاد است و مصداق حقیقی اجتماع به‌شمار می‌رود.

### ۳. حدود و موازین پوشش شرعی در جامعه

آثار فقهی شناخته شده (جز در سال‌های اخیر<sup>۴</sup>) هیچ‌گاه مستقلاً و یا تحت‌عنوان بابی جداگانه به احکام پوشش شرعی نپرداخته‌اند. این احکام همواره به‌صورت تبعی در مباحثی همچون «باب‌الصلاة» و «باب‌النکاح» طرح و بررسی شده‌اند. این نوع پردازش به مسئله پوشش، بدین معنا نیست که احکام مزبور اختصاص به زمان و شرایط خاصی مانند زمان نماز دارد؛ بلکه فقیهان خود تصریح می‌کنند که اولاً، تفاوتی در پوشش به‌هنگام نماز و غیر آن نیست.<sup>۵</sup> ثانیاً، این پوشش در خلوت، در نزد همسر و همچنین در نزد دیگر محارم<sup>۶</sup> واجب نیست. این امر دلالت روشنی بر وجوب شرعی احکام پوشش در اجتماع دارد. محقق ثانی<sup>(۵)</sup> در کتاب «جامع‌المقاصد فی شرح القواعد» می‌نویسد: «المطلب الثاني، في ستر العورة و هو واجب في الصلاة و غيرها ... ولا يجب في الخلوّة إلا في الصلاة.»<sup>۷</sup> همچنین از آنجا که اولاً، بسیاری از مستندات و ادله پوشش مطلق است و اختصاصی به نماز ندارد و ثانیاً، تفکیکی در احکام پوشش نماز میان زمانی که انسان در مرئی دیگران نماز می‌خواند یا در خلوت، گذاشته نشده است، می‌توان به این نتیجه رسید که احکام پوشش، اجتماعی است و اختصاص به عبادت یا زمان خاصی ندارد.

در ادامه حدود و موازین ایجابی پوشش اسلامی زنان و مردان در فقه امامیه مورد بررسی قرار می‌گیرد. شایان ذکر است که دیدگاه‌های فقهی هرکدام مبتنی بر ادله و مبانی خاصی است که در جای خود قابل بررسی است. برای نمونه دو دلیل روایت نبوی «جَسَدُ الْمَرْأَةِ عَوْرَةٌ»<sup>۸</sup> و روایت معروف ابن عباس در تفسیر آیه «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهُ»<sup>۹</sup>، از مهم‌ترین دلایل مورد استناد در این مبحث است. در این نوشتار اما چنانکه گذشت، درصدد بررسی فقهی ادله و مستندات دیدگاه‌های فقهی نیستیم و صرفاً به انعکاس آراء متفاوت اکتفا می‌شود.

#### ۱-۳. زنان

آنچه که بیش از هرچیز دیگری ذیل مبحث پوشش مدنظر اسلام قرار دارد، پوشش ایجابی زنان در سطح جامعه است. در ادامه دامنه الزام این پوشش در اجتماع (در حضور غیرمحارم) مورد بررسی قرار می‌گیرد.

<sup>۴</sup> برای نمونه: علی‌اکبر سیفی مازندرانی، احکام‌الستر و النظر (دلیل‌تحریر الوسیلة الإمام‌الخمینی)، (تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی<sup>(ره)</sup>)، ۱۴۱۷ق.

ناگفته نماند که چنین پژوهش‌هایی بسیار اندک و مختصر است.

<sup>۵</sup> از این گزاره در پژوهش‌های فقهی با عبارت «وحدت ستر صلاتی و غیرصلاتی» یاد می‌شود.

<sup>۶</sup> در نزد محارم، تنها پوشش نواحی شرمگاهی واجب است.

<sup>۷</sup> علی‌بن‌حسین کرکی، جامع‌المقاصد فی شرح القواعد، چاپ دوم، جلد ۲ (قم: مؤسسه آل‌البیت<sup>(علیهم‌السلام)</sup>)، ۱۴۱۴ق، ۹۳ و ۹۲.

<sup>۸</sup> عبدالله‌بن‌محمد ابن‌قدامه، المغنی، چاپ سوم، جلد ۱ (ریاض: دار عالم‌الکتب، ۱۴۱۷ق)، ۶۳۷.

<sup>۹</sup> محمدبن‌حسن طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، جلد ۷، (بیروت: دار إحياء التراث العربی، بی‌تا)، ۴۲۹.

### ۱-۱-۳. در برابر زنان

چنانکه از احکام «نگاه کردن» در فقه شیعه قابل استنباط است، بر زن واجب نیست جز نقاط شرمگاه، دیگر نواحی بدن خود را از زنان دیگر بیپوشاند.<sup>۶۰</sup> علامه حلی<sup>(۵)</sup> در «قواعد الاحکام» می‌نویسد: «يجوز ... أن ينظر الرجل إلى مثله - إلا العورة - وإن كان شاباً حسن الصورة، إلا لريبة أو تلذذ، كذا المرأة.»<sup>۶۱</sup> در این حکم میان زنان مسلمان و غیرمسلمان تفاوتی وجود ندارد.<sup>۶۲</sup>

### ۲-۱-۳. در برابر مردان

بررسی حدود الزامی پوشش بانوان در فقه شیعه نشان می‌دهد که علی‌رغم وجود اشتراکات فراوان، برخی اختلافات نیز میان فقها در خصوص میزان این الزام وجود دارد. دایره پوشش فقهی بانوان در اندیشه فقهای امامیه از وجوب پوشش تمام بدن شروع می‌شود و تا صرف نقاط شرمگاه ادامه می‌یابد؛ اما در عین حال، اکثریت ایشان به وجوب پوشش تمام بدن به استثنای «وجه»، «کفین» و «قدمین»<sup>۶۳</sup> باور دارند. در ادامه در سه بخش، نمونه‌هایی از دیدگاه پوشش حداکثری، مشهور و حداقلی در متون فقهی بیان می‌گردد.

### ۱-۲-۱-۳. دیدگاه حداکثری

در دیدگاه وجوب حداکثری پوشش، عده‌ای تمام بدن زن را «عورت»<sup>۶۴</sup> می‌دانند و عده‌ای دیگر صرفاً وجه و برخی کفین را از آن استثنا نموده‌اند. در عبارات «جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام» آمده است که: «إن الفقهاء قد اتفقت كلمتهم على أن المرأة كلها عورة ...»<sup>۶۵</sup> حتی بعضی از این گزاره با عنوان «اصل (اولی)» یاد کرده‌اند.<sup>۶۶</sup> علامه حلی<sup>(۵)</sup> نقل می‌کند که ابوبکر بن عبدالرحمن بن هشام معتقد بوده که: «كل شيء من المرأة عورة حتى ظفرها» سپس خود می‌گوید: «وهو مدفوع بالإجماع».<sup>۶۷</sup> این رویکرد در آراء برخی فقهای معاصر<sup>۶۸</sup> نیز به چشم می‌خورد.

مرحله دیگر، باور برخی از فقها به عورت بودن کل بدن زن، جز چهره وی است. شهید اول<sup>(۵)</sup> می‌نویسد: «و يظهر من كلام الشيخ<sup>(۵)</sup> - في الاقتصار - و كلام أبي الصلاح منع كشف اليدين و القدمين لعموم قول النبي (صلى الله عليه و آله): «المرأة عورة»».

<sup>۶۰</sup> علی‌پناه اشتهاوردی، مدارک العروءه، جلد ۲۹ (تهران: اسوه، ۱۴۱۷ق)، ۱۰۲.

<sup>۶۱</sup> حسن‌بن‌یوسف علامه حلی، قواعد الاحکام، جلد ۳ (قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۳ق)، ۶.

<sup>۶۲</sup> علی‌اکبر کلانتری، فقه و پوشش بانوان، چاپ پنجم، (قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۱)، ۲۰۹-۲۰۷.

<sup>۶۳</sup> به‌طور کلی مقصود از وجه، گردی صورت، مقصود از کفین، مچ دست تا سر انگشتان و مقصود از قدمین، مچ پا تا سر انگشتان است.

<sup>۶۴</sup> «عورت» چنانکه گذشت در مقابل پوشش قرار دارد و کاربرد آن در فقه، دلالت التزامی «عضو واجب‌الستر» است.

<sup>۶۵</sup> محمدحسن نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، چاپ هفتم، جلد ۸ (بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۴ق)، ۱۶۴.

<sup>۶۶</sup> محمدبن‌حسین طوری قادری، تکملة البحر الرائق، جلد ۲ (بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۷ق)، ۳۵۱.

<sup>۶۷</sup> حسن‌بن‌یوسف علامه حلی، تذکره الفقهاء، جلد ۲ (قم: مؤسسه آل‌البیته (علیهم‌السلام) لإحياء التراث، ۱۴۱۴ق)، ۴۴۶.

<sup>۶۸</sup> برای نمونه: سیدمحسن حکیم، مستمسک العروءه الوقتی، جلد ۱۴ (قم: چاپ افسست، ۱۴۰۴ق)، ۲۸.

مرحله بعدی در دیدگاه به وجوب پوشش حداکثری زن نیز، استثنای تنها وجه و کفین است. شهید اول<sup>(۶)</sup> در اثر خود به نام «ذکر الشیعة فی احکام الشریعة» عنوان می‌کند که: «اجمع العلماء علی عدم وجوب ستر وجهها و علی عدم وجوب ستر الکفین»<sup>۶۹</sup> نیز محقق حلی<sup>(۷)</sup> در کتاب «المعتبر فی شرح المختصر» می‌نویسد: «أما المرأة الحرة فجسدها عورة خلا الوجه بإجماع علماء الإسلام، و لقول النبي (صلى الله عليه و آله) «جسد المرأة عورة» و كذا الكفان عند علمائنا، لأن العادة ظهورهما للأخذ و العطاء فلم يكونا من العورة، و لما روي عن ابن عباس في قوله «و لا يُبدينَ زینتَهُنَّ إلا ما ظَهَرَ منها» قال: «الوجه و الكفان»<sup>۷۰</sup> همچنين ديگر فقيه شهير حله، مرحوم علامه حلی<sup>(۸)</sup> در کتاب «تذكرة الفقهاء» تصريح داشته که: «عورة المرأة جميع بدنها إلا الوجه بإجماع علماء الأمصار ... وأما الكفان فكالوجه عند علمائنا أجمع.»<sup>۷۱</sup>

۲-۲-۱-۳. دیدگاه مشهور

در نظرگاه مشهور فقهای امامیه اما، آنچه واجب است زن پوشیده دارد، تمام بدن به استثنای سه (پنج) ناحیه وجه، کفین و قدمین عنوان شده است. بیشتر فقها در عبارات خود همین نظر را پذیرفته‌اند و به آن تصریح نموده‌اند.

ابن‌ادریس<sup>(۹)</sup> از فقهای تأثیرگذار فقه جعفری در کتاب مشهور «السرائر الحاوی لتحرير الفتاوى» قائل است که: «لا يجب علیها ستر الوجه و الکفین و القدمین»<sup>۷۲</sup> صاحب حدائق<sup>(۱۰)</sup> نیز می‌نویسد: «اما المرأة فالمشهور في كلام الأصحاب ان بدن المرأة الحرة جميعه عورة عدا الوجه و الکفین و القدمین»<sup>۷۳</sup> فقيه دیگری تصریح می‌کند: «يجب على المرأة ستر جميع جسدها، عدا الوجه و الکفین و القدمین ظاهراً و باطناً»<sup>۷۴</sup> بالإجماع في المستثنى منه، و الأصل في المستثنى، وهما الحجة في المقامين.»<sup>۷۵</sup> عبارات و اقوال فقهای متقدم و متأخر مبنی بر پذیرش دیدگاه مشهور، فراوانی بسیاری دارد. از جمله ادله پر استناد فقها برای این دیدگاه، نقل روایت مروک بن عبید توسط مرحوم کلینی<sup>(۱۱)</sup> در کافی است که طی آن چنین آمده است: «عن بعض أصحابنا عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: قلت له ما يحل للرجل أن يرى من المرأة إذا لم يكن محرماً؟ قال الوجه و الکفان و القدمان»<sup>۷۶</sup>. بنابراین در دیدگاه مشهور فقه امامی، محدوده پوشش الزامی زن، تمام بدن وی به استثنای وجه، کفین و قدمین اوست.

<sup>۶۹</sup>. محمد بن مکی عاملی (شهید اول)، ذکر الشیعة فی احکام الشریعة، جلد ۳ (قم: مؤسسه آل‌البتیت (علیهم‌السلام)، ۱۴۱۹ق)، ۸.

<sup>۷۰</sup>. جعفر بن حسن محقق حلی، المعتبر فی شرح المختصر، جلد ۲ (قم: مؤسسه سید الشهداء (علیهم‌السلام)، ۱۴۰۷ق)، ۱۰۱.

<sup>۷۱</sup>. حسن بن یوسف علامه حلی، تذکره الفقهاء، جلد ۲ (قم: مؤسسه آل‌البتیت (علیهم‌السلام) لإحياء التراث، ۱۴۱۴ق)، ۴۴۶.

<sup>۷۲</sup>. محمد بن احمد ابن‌ادریس، السرائر الحاوی لتحرير الفتاوى، جلد ۱ (قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۰ق)، ۲۶۰.

<sup>۷۳</sup>. یوسف بن احمد بحرانی، الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، جلد ۷ (قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۵ق)، ۱۳۷.

<sup>۷۴</sup>. در جواز کشف کفین و قدمین، این اختلاف نیز وجود دارد که آیا مقصود از آن تنها ظاهر آنهاست یا باطن آنها نیز از مفهوم عورت استثنای خواهد بود؟

مراجعه شود به: محمد بن حسن طوسی، المبسوط فی فقه الإمامیه، چاپ سوم، جلد ۱ (تهران: المکتبه المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریة، ۱۳۸۷ق)، ۸۷ و محمد حسن نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، چاپ هفتم، جلد ۸ (بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۴ق)، ۱۷۱.

<sup>۷۵</sup>. احمد بن محمد مهدی نراقی، مستند الشیعة فی احکام الشریعة، جلد ۴ (مشهد: مؤسسه آل‌البتیت (علیهم‌السلام) لإحياء التراث، ۱۴۱۵ق)، ۲۴۲.

<sup>۷۶</sup>. محمد بن یعقوب کلینی، الأصول من الکافی، جلد ۶ (تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۴۰۴ق)، ۵۰۱.

به منظور انسجام و انتظام آراء فقهی مربوط به پوشش الزامی زن در شریعت اسلام، می توان تمام دیدگاه‌هایی که استثنائاتی فراتر از دیدگاه مشهور قائل است را تحت عنوان پوشش حداقلی ذکر نمود. در ادامه برخی از استثنائات مزبور مورد اشاره قرار می‌گیرند. دیدگاه‌های آتی ماهیتی شاذ و نادر دارند و معمولاً در بیان دیگر فقها، مورد ایراد و انتقاد قرار گرفته‌اند.

در راستای دیدگاه فوق، برخی موی سر زن را نیز از محدوده عورت خارج دانسته و در نتیجه به عدم وجوب پوشش آن باور دارند. در عبارات مرحوم صاحب مدارک<sup>(۵)</sup> آمده است: «و اعلم أنه ليس في العبارة كغيرها من عبارات أكثر الأصحاب تعرض لوجوب ستر الشعر، بل ربما ظهر منها أنه غير واجب، لعدم دخوله في مسمى الجسد.»<sup>۷۷</sup> برخی<sup>۷۸</sup> ادعا کرده‌اند که اساساً تا پیش از شهید اول<sup>(۵)</sup>، هیچ فقیه و عبارت فقهی، متعرض «موی سر» به عنوان عورت و عضو واجب‌الستر نشده است.

مرحوم محقق سبزواری<sup>(۵)</sup> نیز در عبارات خود<sup>۷۹</sup> در وجوب پوشاندن موی سر تردید روا داشته است؛ همچنان که در وجوب پوشاندن گوش،<sup>۸۰</sup> ساق دست (از آرنج تا سر انگشتان) و ساق پا<sup>۸۱</sup> نیز اختلاف نظرهایی وجود دارد.

مقدس اردبیلی<sup>(۵)</sup> در دیدگاهی شاذ، وجوب پوشاندن برخی از اعضای بدن زن را محل اشکال دانسته است.<sup>۸۲</sup> در میان دیدگاه‌های حداقلی پوشش زن، عجیب‌ترین و نادرترین دیدگاه، آن است که برخی از فقها از ابن‌جنید اسکافی<sup>(۵)</sup> نقل کرده‌اند. علامه حلی<sup>(۵)</sup> در کتاب «مختلف الشیعة في أحكام الشریعة» می‌نویسد: «و قال ابن الجنید: الذي يجب ستره من العورتان و هما القبل والدبر من الرجل والمرأة». سپس خود بلافاصله می‌گوید: «و هذا يدل على مساواة المرأة للرجل عنده في أن الواجب ستر قبلها و دبرها لا غير.»<sup>۸۳</sup> دیدگاه مذکور همواره در کلام فقها محل نقد و توجیه قرار گرفته و توسط هیچ فقیه دیگری پذیرفته نشده است. برای مثال صاحب جواهر<sup>(۵)</sup> احتمال داده که شاید مقصود ابن‌جنید از مساوات مرد و زن، تساوی در مسامی عورت

<sup>۷۷</sup> محمدبن علی موسوی عاملی، مدارک الأحكام فی شرح شرائع الإسلام، چاپ دوم، جلد ۳ (مشهد: مؤسسه آل‌البیت (علیهم‌السلام) لإحياء التراث، ۱۴۲۹ق)، ۱۸۹.

<sup>۷۸</sup> امیرحسین ترکشوند، حجاب شرعی در عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله)، (تهران: امیرحسین ترکشوند (انتشار غیررسمی)، ۱۳۸۹)، ۶۹۶.

<sup>۷۹</sup> محمدباقر بن محمد سبزواری، کفایة الاحکام، جلد ۲ (قم: مؤسسه النشر الإسلامی، بی‌تا)، ۲۳۷ و محمدباقر بن محمد سبزواری، کفایة الاحکام، جلد ۱ (قم: مؤسسه النشر الإسلامی، بی‌تا)، ۸۱.

<sup>۸۰</sup> محمدبن مکی عاملی (شهید اول)، الألفیة والنغلیة، (قم: مکتب الإعلام الإسلامی، ۱۴۰۸ق)، ۵ و محمدبن مکی عاملی (شهید اول)، الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیة، چاپ دوم، (قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۷ق)، ۷۷.

<sup>۸۱</sup> در حدیثی از امام صادق (علیه‌السلام) آمده است که ایشان در تفسیر آیه شریفه «إلا ما ظهر منها...» فرموده‌اند که مقصود چهره و ساق‌ها (الوجه والذراعان) است. (حسین بن محمد تقی نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، (بیروت: مؤسسه آل‌البیت (علیهم‌السلام) لإحياء التراث، ۱۴۰۸ق)، جزء ۱۴، باب ۸۵ ح ۱) همچنین حدیث سلمان در ملاقات خود با صدیقه طاهره (سلام‌الله‌علیها) قابل توجه است. «... قال سلمان الفارسی: فهورلت إلی منزل فاطمة بنت محمد، فإذا هی جالسة وعلیها قطعة عباء إذا خمرت رأسها انجلی ساقها وإذا غطت ساقها انکشف رأسها ...» (محمدباقر بن محمد تقی مجلسی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (علیهم‌السلام)، جلد ۴۳ (بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق)، ۶۶).

<sup>۸۲</sup> احمد بن محمد مقدس اردبیلی، زبدة البیان فی أحكام القرآن، جلد ۱ (تهران: المکتبه المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة، بی‌تا)، ۵۴۴.

<sup>۸۳</sup> حسن بن یوسف علامه حلی، قواعد الأحکام، جلد ۲ (قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۳ق)، ۹۸.

در زن و مرد باشد و نه ملحقات عورت که زنان باید علاوه بر عین عورت نیز آن‌ها را بپوشانند.<sup>۸۴</sup> نمونه دیگر مرحوم میرزا ابوالقاسم قمی<sup>(۵)</sup> است که گفته: احتمال دارد مقصود وی قسمتی باشد که زن باید آن را حتی از محارم خود (چه در نماز و چه در غیرنماز) بپوشاند.<sup>۸۵</sup> شهید اول<sup>(۵)</sup> نیز پس از آنکه احتمال می‌دهد شاهد فتوای ابن جنید روایت ابن بکیر از امام صادق<sup>(علیه السلام)</sup><sup>۸۶</sup> باشد، می‌گوید: «و الخبر ... ضعيف السند، مخالف للمشهور و لما هو أصح (أوضح) سنداً، و تأوله الشيخ بالحمل على الضرورة أو الصغيرة.»<sup>۸۷</sup>

### ۲-۳. مردان

پوشش مردان در فقه امامیه نسبت به پوشش بانوان کمتر با تشتت آراء و چالش‌های فقهی مواجه است و تقریباً همه فقها نسبت به محدوده الزام آن دیدگاه مشابهی دارند. هرچند تأکید همیشگی تعالیم اسلام بر فضیلت حیا و پوشیدگی حداکثری است،<sup>۸۸</sup> اما از منظر الزام فقهی، مردان جز بخش شرمگاه، نسبت به پوشش سایر نقاط و اعضای بدن با الزامی مواجه نیستند.

### ۱-۲-۳. در برابر زنان

به‌طور کلی حکم حدود الزامی پوشش مرد در برابر همه (به‌جز همسر که در مقابل وی هیچ پوششی برای مرد واجب نیست)، یکسان است و مردان لازم است در برابر همه اعم از محارم، غیرمحارم، کودک ممیز، بزرگسال، همجنس،<sup>۸۹</sup> غیرهمجنس و ... پوشش واجب حداقلی را مراعات کنند. امام خمینی<sup>(۵)</sup> در پاسخ به استفتائاتی در این زمینه تصریح کرده: «بر مرد ستر عورتین واجب است و ستر باقی بدن واجب نیست؛ اگرچه بر زن حرام است بدن مرد نامحرم را نظر کند.»<sup>۹۰</sup> این حکم البته می‌تواند با تحقق عناوین ثانویه و در پی ترتب مفاسد بزرگ، تغییر یابد.

### ۲-۲-۳. در مقابل مردان

گاهی به آثار فقهی شناخته‌شده به‌خوبی گزاره فوق‌الذکر را به اثبات می‌رساند. علامه حلی<sup>(۵)</sup> در کتاب «تذکره الفقهاء» می‌نویسد: «عورة الرجل عند أكثر علمائنا قبله ودبره لا غیر ... ویجوز أن یصلي عاريا ساترا لعورتیه.»<sup>۹۱</sup> محقق کرکی<sup>(۵)</sup> در کتاب «جامع المقاصد فی شرح القواعد» تصریح می‌کند: «عورة الرجل قبله و دبره خاصة. هذا أشهر أقوال أصحابنا، و المراد بالقبل: القضيب و الأثیان ... و يتأكد استحباب ستر ما بین السرة و الركبة، و أفضل منه ستر جميع البدن، (لقوله) «إذا سترت

<sup>۸۴</sup>. محمدحسن نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، چاپ هفتم، جلد ۸ (بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۴ق)، ۱۶۵.

<sup>۸۵</sup>. ابوالقاسم‌بن محمدحسن میرزای قمی، غنائم الأيام فی مسائل الحلال و الحرام، جلد ۲ (قم: مکتب الإعلام الإسلامی، ۱۳۷۸)، ۲۵۴.

<sup>۸۶</sup>. محمدبن حسن طوسی، الاستبصار فی ما اختلف من الأخبار، جلد ۱ (تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۴۰۴ق)، ۳۸۹ و محمدبن حسن طوسی، تهذیب الأحكام فی شرح المقنعة للشيخ المفید<sup>(۵)</sup>، جلد ۲ (تهران، دارالکتب الإسلامیة، ۱۴۰۶ق)، ۲۱۸.

<sup>۸۷</sup>. محمدبن مکی عاملی (شهید اول)، ذکری الشیعة فی أحكام الشریعة، جلد ۳ (قم: مؤسسه آل‌البیت<sup>(علیهم السلام)</sup>، ۱۴۱۹ق)، ۹.

<sup>۸۸</sup>. برای نمونه، مراجعه شود به: محمدبن عیسی ترمذی، سنن ترمذی، جلد ۵ (بیروت: دارالغرب الإسلامی، ۱۹۹۸م)، ۳۵۹.

<sup>۸۹</sup>. جعفربن حسن محقق حلی، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، چاپ دوم، جلد ۲ (تهران: استقلال، ۱۴۰۹ق)، ۴۹۵.

<sup>۹۰</sup>. سیدروح‌الله موسوی خمینی، استفتائات، جلد ۸ (تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی<sup>(۵)</sup>، ۱۳۶۹)، ۵۷۹.

<sup>۹۱</sup>. حسن بن یوسف علامه حلی، تذکره الفقهاء، جلد ۲ (قم: مؤسسه آل‌البیت<sup>(علیهم السلام)</sup> لإحياء التراث، ۱۴۱۴ق)، ۴۴۳-۴۴۵.

**القضيب و البيضتين فقد سترت العورة**<sup>۹۲</sup> و الدبر: نفس المخرج، و ليست الألتان، و لا الفخذ منها، لقول الصادق (عليه السلام): «الفخذ ليس من العورة»<sup>۹۳</sup>.<sup>۹۴</sup> همچنین فاضل نراقی (۵) در کتاب «مستندالشیعة فی احکام الشریعة»: «يجب على الرجل ستر القبل - الذكر و الخصيتين - و الدبر لا غیرهما ... أما وجوب سترهما، فبالإجماع المحقق و المحكي مستفيضاً ... و أما عدم وجوب ستر غیرهما، فلأصل الخالي عن المعارض، بل الإجماع في غير ما بين السرة و الركبة».<sup>۹۵</sup> نیز محقق سبزواری (۵) در کتاب «کفاية الاحکام» در بیان مقدار پوشش واجب مرد می گوید: «يجب ستر العورة في الصلاة و هي القبل و الدبر، و منها البيضتان دون الألتين على الأشهر الأقوى».<sup>۹۶</sup> شیخ انصاری (۵) پس از بیان نواحی واجب الستر، پوشاندن آنها با برگ (برگه) و گل<sup>۹۷</sup> را نیز کافی می داند؛ وی تصریح می کند: «عورة الرجل قبله و دبره، يجب سترهما مع القدرة و لو بالورق و الطين ...».<sup>۹۸</sup> بنابراین اکثر فقها در پوشش الزامی مرد، تنها به وجوب پوشاندن<sup>۹۹</sup> آلت تناسلی، بیضتین<sup>۱۰۰</sup> و گردی حلقوی مخرج (نه برآمدگی های عضلات لگن) معتقدند و فراتر از آن را واجب ندانسته و نهایتاً مستحب<sup>۱۰۱</sup> می دانند.

در برابر اکثریت فوق اما، گروه اندکی از فقها قرار دارند که مقدار لازم پوشش برای مرد را از ناف تا زانو یا نیمه ساق پا می دانند. قاضی ابن براج و ابن حمزه معتقدند که «عورت آنچه است که مابین ناف تا زانو قرار دارد.»<sup>۱۰۲</sup> ابوالصلاح حلبی (۵) نیز می نویسد: «عورت از ناف است تا نیمه ساق پا».<sup>۱۰۳</sup> برخی مانند علامه حلی (۵)<sup>۱۰۴</sup> پس از اشاره به دیدگاه اقلیت فقها در این زمینه، این دیدگاه (عدم پوشش ماورای اندام جنسی) را به منظور جمع بین ادله، حمل بر کراهت نموده اند.

<sup>۹۲</sup> محمدبن یعقوب کلینی، الأصول من الکافی، جلد ۶ (تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۴۰۴ق)، ۵۰۱ و محمدبن حسن طوسی، تهذیب الأحکام فی شرح المقنعة للشیخ المفید (۵)، جلد ۱ (تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۴۰۶ق)، ۳۷۴.

<sup>۹۳</sup> محمدبن علی ابن بابویه (شیخ صدوق)، من لا یحضره الفقیه، جلد ۱ (قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۰۴ق)، ۶۷ و محمدبن حسن حر عاملی، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، جلد ۲ (قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث، ۱۴۱۶ق)، ۳۴.

<sup>۹۴</sup> علی بن حسین کرکی، جامع المقاصد فی شرح القواعد، چاپ دوم، جلد ۲ (قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، ۱۴۱۴ق)، ۹۴ و ۹۳.

<sup>۹۵</sup> احمدبن محمد مهدی نراقی، مستند الشیعة فی أحكام الشریعة، جلد ۴ (مشهد: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث، ۱۴۱۵ق)، ۲۳۹.

<sup>۹۶</sup> محمدباقر بن محمد سبزواری، کفاية الاحکام، جلد ۱ (قم: مؤسسه النشر الإسلامی، بی تا)، ۸۰.

<sup>۹۷</sup> برخی در غیر حالت اضطرار، حتی دست را هم برای پوشش واجب کافی دانسته اند (سیدمحسن حکیم، مستمسک العروة الوثقی، جلد ۲ (قم: چاپ افست، ۱۴۰۴ق)، ۱۹۲ و ۱۹۰).

<sup>۹۸</sup> مرتضی انصاری، کتاب الصلاة، جلد ۱ (قم: المؤتمر العالمی بمناسبة الذکری الثمینیة الثانية لملیاد الشیخ الأعظم الأنصاری (۵)، ۱۴۱۵ق)، ۲۰۴.

<sup>۹۹</sup> سید ابوالقاسم خویی، التنقیح فی شرح العروة الوثقی، چاپ سوم، جلد ۴ (قم: دارالهادی، ۱۴۱۰ق)، ۳۲۱ و محمدحسن نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، چاپ هفتم، جلد ۲ (بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۴ق)، ۲.

<sup>۱۰۰</sup> احمدبن محمد مهدی نراقی، مستند الشیعة فی أحكام الشریعة، جلد ۴ (مشهد: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث، ۱۴۱۵ق)، ۲۳۹.

<sup>۱۰۱</sup> یوسف بن احمد بحرانی، الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، جلد ۷، (قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۰۵ق)، ص ۳۳. مرتضی انصاری، کتاب- الصلاة، جلد ۱ (قم: المؤتمر العالمی بمناسبة الذکری الثمینیة الثانية لملیاد الشیخ الأعظم الأنصاری (۵)، ۱۴۱۵ق)، ۲۰۴.

<sup>۱۰۲</sup> عبدالعزیز ابن براج، المهذب، جلد ۱ (قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۰۶ق)، ۸۳ و محمدبن علی ابن حمزه، الوسيلة، (قم: منشورات مکتبه آیة الله العظمی المرعشی النجفی (۵)، ۱۴۰۸ق)، ۸۳.

<sup>۱۰۳</sup> تقی الدین بن نجم الدین ابوالصلاح حلبی، الکافی فی الفقه، (اصفهان: مکتبه الإمام أميرالمؤمنین (علیه السلام)، ۱۴۰۳ق)، ۱۳۹.

<sup>۱۰۴</sup> حسن بن یوسف علامه حلی، تذکره الفقهاء، جلد ۲ (قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث، ۱۴۱۴ق)، ۴۴۵.

چنانچه از عنوان و ماهیت این مبحث پیدا است و پیش‌تر نیز تأکید شد، میزان مذکور از پوشش صرفاً حدود الزامی و از منظر فقه است و این را نباید با روایات اخلاقی و یا مشیر به استحباب در این خصوص خلط نمود.<sup>۱۰۵</sup> برای نمونه امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) طی حدیثی فرموده‌اند: «بر مرد شایسته نیست که لباس او کنار رود تا ران‌هایش معلوم گردد و در این حال در میان قوم خود بنشیند.»<sup>۱۰۶</sup> آن حضرت در حدیثی دیگر فرموده‌اند: «لباس ریزبافت و ضخیم بپوشید، هرکس لباسش نازک است دینش نازک است؛ هنگام نماز لباس بدن نما نپوشید.»<sup>۱۰۷</sup> بدیهی است که این روایات و امثال آن، ارتباطی با حکم الزامی فقه درخصوص پوشش ندارند.

#### ۴. توجه به «مصلحت» و «کارآمدی» در بُعد فقهی پوشش شرعی

پس از شناخت دیدگاه‌های فقهی رایج و غیررایج، پیرامون مکلف، موضع و حدود پوشش شرعی مردان و زنان، می‌توان این پرسش را مطرح نمود که اگر مبنای قانون‌گذاری در این سه موضوع، چیزی غیر از دیدگاه‌های مشهور و رایج و مستند به دیدگاهی شاذ اما متناسب با مصالح و شرایط اجتماعی و به‌اختصار، فتوایی کارآمد باشد، آیا با نظام حقوق اساسی کنونی جمهوری اسلامی ایران<sup>۱۰۸</sup> در تعارض است؟ به‌عبارت دیگر، از آنجا که «اجرا و تحقق کامل موازین دینی» و «برپایی و اقامه دستورات و معنویات اسلام»<sup>۱۰۹</sup> تنها هدف تشکیل حکومت اسلامی است، اگر دیدگاه فقهی نادر فقیهی کمتر شناخته شده، تناسب بیشتری با واقعیت‌ها و شرایط مورد اختلاف جامعه داشت، آیا می‌توان مستند به آن قانون‌گذاری کرد، بدون آنکه در اثر مخالفت با فتوای اکثریت، اشکال مبنایی عدم اقامه احکام شرعی به‌وجود آید؟<sup>۱۱۰</sup>

در بررسی پاسخ پرسش مذکور باید گفت که احکام شرعی در یک تقسیم‌بندی به احکام ثابت و احکام متغیر تقسیم می‌شوند که دسته اول مبتنی بر مصالح و مفسدات ثابت و تغییرناپذیر و دسته دوم بر مبنای مصالح و مفسدات تغییرپذیر در زندگی انسان‌ها تشریح شده‌اند. از این‌رو همواره «مصلحت»، نقش مهمی در فقه شیعه ایفا کرده است که می‌توان ردپای آن را به‌وضوح در قواعد

<sup>۱۰۵</sup> ناگفته نماند که در عصر حاضر برخی از فقها، اعم از شیعه و سنی در آراء خود، پوششی بیش از پوشش فوق‌الذکر را برای مرد لازم دانسته و کشف بسیاری از نواحی بدن را جایز نمی‌دانند. برای نمونه در شیعه، مراجعه شود به: ناصر مکارم شیرازی، استفتانات جدید، چاپ دوم، جلد ۲ (قم: مدرسه امام علی بن ابی‌طالب (علیه‌السلام)، ۱۴۲۷ق)، ۳۴۶ و در اهل سنت، مراجعه شود به: عبدالرحمن بن محمد عوض الجزیری، الفقه علی المذاهب الأربعة، چاپ دوم، جلد ۱ (بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۴ق)، ۱۹۲.

<sup>۱۰۶</sup> محمدبن حسن حر عاملی، تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، جلد ۵ (قم: مؤسسه آل‌البیت (علیهم‌السلام) لإحياء التراث، ۱۴۱۶ق)، ۲۳.

<sup>۱۰۷</sup> حسن بن علی حرانی، تحف العقول عن آل الرسول، چاپ دوم، (قم: مؤسسه النشر الاسلامی، مصحح: غفاری، علی‌اکبر، ۱۴۰۴ق)، ۱۱۳.

<sup>۱۰۸</sup> مراجعه شود به اصول ۴ و ۷۲ قانون اساسی.

<sup>۱۰۹</sup> سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام<sup>(۲)</sup>، جلد‌های ۲۰، ۵، ۶ و ۱۴ (تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی<sup>(۳)</sup>، ۱۳۸۹)، ۲۹۸، ۱۵۲، ۳۸۹ و ۴۱۴ و سیدروح‌الله موسوی خمینی، ولایت فقیه؛ حکومت اسلامی، چاپ سی‌ویکم، (تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی<sup>(۳)</sup>، ۱۳۹۷)، ۷۳ و ۵۵.

<sup>۱۱۰</sup> تصور این حالت بدین شکل است که برای نمونه، اکثریت قاطع فقها قائل به لزوم رعایت پوشش شرعی توسط گردشگران غیرمسلمان و یا نمایندگان سیاسی کشورهای غیراسلامی هستند و معتقدند که هیچ عنوان ثانوی برای عدم الزام وجود ندارد، اما در مقابل، دیدگاه شاذ و نادر مجتهد مسلمی که چنین باوری را (به حکم اولی یا ثانوی) رد می‌کند، تناسب بیشتری با شرایط موجود داشته و کارآمدتر است و زیربنای تقنین قرار گرفتن آن، منافع بسیاری را تأمین می‌کند. تأکید می‌شود که در این فرض، اکثریت یا مشهور فقها (برخلاف قانون‌گذاران و مسئولین اجرایی امر)، به هر دلیلی، اعتقادی به ناکارآمد بودن دیدگاه فقهی خود ندارند.

بنیادینی مانند «تقدیم اهم بر مهم» جستجو کرد.<sup>۱۱۱</sup> استوار بر اهمیت لحاظ «مصلحت» در احکام، «حکم ثانوی» شکل گرفته است که عبارت از «جعل وجوب یا حرمت براساس مصلحت یا مفسده ناشی از وضع یا حالات ویژه مانند اضطرار» می‌باشد.<sup>۱۱۲</sup> این مهم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز انعکاس یافته و محوریت آن در تقنین مورد توجه و اساسی‌سازی قرار گرفته است.<sup>۱۱۳</sup> مرحوم امام خمینی<sup>(ع)</sup> می‌گوید: «گاهی یک مسأله در جامعه پیش می‌آید که باید یک احکام ثانویه‌ای در کار باشد، آن هم احکام الهی است، منتها احکام ثانویه الهی است.» ایشان در موضعی دیگر بیان می‌دارد که: «رد احکام ثانویه، پس از تشخیص موضوع به‌وسیله عرف کارشناس، با رد احکام اولیه، فرقی ندارد؛ چون هر دو احکام‌الله، می‌باشند».<sup>۱۱۴</sup>

ضرورت لحاظ مصلحت در گزینش «فتوای معیار در قانون‌گذاری» نیز امری است که صاحب‌نظران بر آن تأکید دارند و معتقدند که یکی از ضوابط تعیین فتوای معیار در تقنین، تأمین حداکثری مصالح و دفع حداکثری مفاسد فردی و اجتماعی می‌باشد<sup>۱۱۵</sup> و چنین فتوای کارآمدی حتی بر فتاوی دیگر مانند فتوای مشهور یا ولی فقیه نیز مقدم خواهد بود.<sup>۱۱۶</sup>

مبتنی بر مقدمه فوق، باید گفت که توجه به مصالح واقعی و مقتضیات روز، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های ناظر بر نظام قانونی مطلوب پوشش در جمهوری اسلامی ایران قابل معرفی به‌شمار می‌رود. واقعیت این است که امروزه، تبدیل شدن حجاب و پوشش اسلامی به یک نماد برجسته از هویت نظام و حاکمیت اسلامی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین دشمنان نظام سلطه استکباری و فرهنگ منحط غرب، موجب شده که بیش از هر چیز و هر زمان دیگر مورد هجمه، و دستاویزی برای اغفال و تفرقه‌شهروندان جمهوری اسلامی ایران توسط نظام رسانه و تبلیغات قرار گیرد. بر بنیاد این واقعیت، همواره قانون‌گذار باید توجه داشته باشد که فقه عقل‌محور شیعه، این مسیر را برای قانون‌گذاران اجرایی باز گذاشته تا مبتنی بر مصالح محققه مانند حفظ نظام<sup>۱۱۷</sup> و عسر و حرج، در مواردی اجرای برخی احکام شرعی را موقتاً از دستور خود خارج کرده و یا حدود آن را متناسب با مقتضیات موجود با قید توقیت، تغییر دهند.<sup>۱۱۸</sup> برخی فقهای معاصر تصریح کرده‌اند که قاعده عقلی «تقدیم اهم بر مهم» اقتضا دارد که به مصالح ملزمه

<sup>۱۱۱</sup> محمدجواد ارسطا، تحلیل مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران، (تهران: مجد، ۱۳۹۸ الف)، صص ۳۷۹ و ۳۷۸ و ۳۵۰.

<sup>۱۱۲</sup> سیدمحسن حکیم، حقائق‌الاصول، چاپ پنجم، جلد ۱ (قم: بصیرتی، ۱۴۰۸ق)، ۵۰۸.

<sup>۱۱۳</sup> اصل ۱۱۲ قانون اساسی و نظر تفسیری شورای نگهبان ذیل آن (به‌شماره ۴۸۷۲ مورخ ۱۳۷۲/۴/۲۰).

<sup>۱۱۴</sup> سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام<sup>(ع)</sup>، جلد ۱۷ (تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی<sup>(ع)</sup>، ۱۳۸۹)، ۳۲۱ و ۲۴۹.

<sup>۱۱۵</sup> محمدجواد ارسطا، «فتوای معیار در قانون‌گذاری»، فقه حکومتی، شماره ۷، (۱۳۹۸ب)، ۷۳.

<sup>۱۱۶</sup> برای مطالعه بیشتر در این زمینه مراجعه شود به: محمدجواد ارسطا، «فتوای معیار در قانون‌گذاری»، فقه حکومتی، شماره ۷، (۱۳۹۸ب)، ۵۵-۸۲.

<sup>۱۱۷</sup> مرحوم امام خمینی<sup>(ع)</sup> در ذیل نامه قبول استعفاءی آیت‌الله منتظری می‌نویسد: «... در اسلام، مصلحت نظام از مسائلی است که مقدم بر هر چیز است...»

(سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام<sup>(ع)</sup>، جلد ۱ (تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی<sup>(ع)</sup>، ۱۳۸۹)، ۳۳۵)

<sup>۱۱۸</sup> در اندیشه امام خمینی<sup>(ع)</sup>، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران و نظریه‌پرداز برجسته ولایت فقیه و حکومت اسلامی، حکومت شعبه‌ای از ولایت مطلقه رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و یکی از احکام اولیه اسلام است و نیز مقدم بر تمام احکام فرعیه (حتی نماز و روزه و حج) است. سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام<sup>(ع)</sup>، جلد ۲۰ (تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی<sup>(ع)</sup>، ۱۳۸۹)، ۴۵۲ و ۴۵۱. در این پیام تصریح شده که حاکم می‌تواند برای تأمین مصلحت، برخی از احکام مانند حج را تعطیل کند.

کشور در تصمیم‌گیری‌ها توجه شده و قانون در هر صورت براساس آن برای جامعه به‌تصویب برسد.<sup>۱۱۹</sup> در این صورت حکومت اسلامی و قوای آن موظف است به‌دستور عقل و نقل حکم مهم‌تر را در جامعه اجرایی سازد و در نتیجه حکم مهم را به‌منظور احراز حکم و مصلحتی اهم موقتاً تعطیل نماید.<sup>۱۲۰</sup> بنابراین، هرچند پوشش شرعی و لزوم اهتمام حکومت اسلامی نسبت به قاعده‌گذاری و ضابطه‌مندی آن امری مستدل و غیرقابل انکار است، اما این همه، موجب نمی‌گردد که برای مصالحی مهم‌تر (در صورت تحقق)، تقنین درخصوص مخاطب، دایره اجرا، حدود، کیفیت اجرا، میزان الزام و التزام و ... پوشش شرعی را موقتاً مورد تعدیل و تخفیف قرار داد. این رویکرد ملهم از نگرش شهید صدر<sup>(ه)</sup> است که در موارد عدم وجود دیدگاه قطعی فقهی در یک موضوع، قوه مقننه را مسئول انتخاب نظر فقهی پشتیبان، مشروط به تأمین «مصلح عامه غیر متعارض با قانون اساسی» می‌داند<sup>۱۲۱</sup> که این امر طبیعتاً اعم از هشت دیدگاه موجود و فتوای نادر می‌باشد؛ با این تفاوت که در اینجا می‌توان موضوع را اعم از «اصل لزوم یا عدم لزوم تقنین برای حاکمیت» و بر فرض لزوم، اعم از «سه حوزه مذکور (مکلف، مکان و حدود پوشش)» دانست که در هر کدام اختلاف‌های فقهی وجود دارد.

قانون‌گذاری بر مبنای مصالح محققه درباره پوشش اسلامی، راهکار و مؤلفه‌ای در نظام قانونی مطلوب است که صرف‌نظر کردن از حکم اولی شارع و تن دادن به اقتضائات روز (که بعضاً از سوی دشمنان و مغرضان تحمیل می‌شود) را به‌همراه دارد. اما جدای از این، می‌توان برای تأمین مصالح و عدم التجا به تعطیلی موقت دستورات شرعی براساس حکم ثانوی، راهکار دیگری را پیشنهاد نمود و آن اینکه، در چنین مواقعی به فتوای کارآمد غیرمشهور از فقهای شیعه مراجعه شده و قانون موردنیاز مستند به دیدگاه (هرچند نادر) فقیه شیعه‌ای که رویکرد وی مصالح را تأمین می‌کند، تصویب شود. در این صورت، آنچه که از آن صرف نظر شده، نه حکم اولی بلکه حکم مشهور یا رایج است. توجه و به‌کارگیری فتوای مجتهدی که صحت آن را در پیشگاه خداوند پذیرفته است،<sup>۱۲۲</sup> راه‌حل راهگشایی در حل مشکلات فقهی اجتماعی و کلان به‌شمار می‌رود که شرعاً و عقلاً قابل انکار نیست.

در این رویکرد، آنچه که معیار و ملاک اصلی در اتکا به فتوای پشتیبان قانون قرار می‌گیرد، «کارآمدی و تأمین مصالح نظام و حاکمیت» خواهد بود. همین امر، تمایز میان ایده حاضر با سایر ایده‌ها در کارآمدی که «انسجام حداکثری با دیگر فتاوی

<sup>۱۱۹</sup> برای نمونه پاسخ آیت‌الله مکارم شیرازی به پرسشی در زمینه موضع مکانی پوشش درخور توجه است. از ایشان پرسش شده است که: «وظیفه خواهران دانشجوی مسلمان ترکیه و دیگر کشورها نسبت به رعایت حجاب در دو فرض زیر چیست؟ (۱) شرط گذراندن تمام ترم‌های دانشجویی در دانشگاه‌های تحت مدیریت آن‌ها، رعایت نکردن حجاب شرعی است. (۲) شرط اتمام چند ترم باقی‌مانده از رشته خاصی در دانشگاه، ترک حجاب است.» معظم‌له در پاسخ مرقوم داشته‌اند: «با توجه به اینکه اگر دختران مسلمان و متدین دروس عالی را نخوانند تنها افراد بی‌بندوبار و لامذهب پست‌های مهم را اشغال می‌کنند، به افراد متدین اجازه داده می‌شود که حجاب را در خصوص مواردی که ضرورت دارد رعایت نکنند، ولی در غیر آن موارد حتماً مراعات نمایند.» مراجعه شود به: استفتائات از رهبری به آدرس: [www.B2n.ir/q15528](http://www.B2n.ir/q15528)، سؤال ۲۳ و مکارم شیرازی، احکام خانواده، ص ۳۸.

<sup>۱۲۰</sup> عبدالله جوادی آملی، ولایت فقیه: ولایت، فقاها و عدالت، چاپ هجدهم، (قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۹۵)، ۶۵ و ۶۶.

<sup>۱۲۱</sup> محمدباقر صدر، الإسلام يقود الحياة. (تهران: المؤتمر العالمي لائمه الجمعه و الجماعة، ۱۴۰۳ق)، صص ۱۱-۱۰ و محمدباقر صدر، لمحۀ فقهیۀ تمهیدیۀ عن مشروع دستور الجمهوریۀ الإسلامیۀ فی ایران، (قم: مطبعۀ الخيام، ۱۳۹۹ق)، صص ۲۳-۲۲.

<sup>۱۲۲</sup> اگرچه دیدگاه مشهور، ولی فقیه، مرجع در مظان اعلیمیت و یا فقهای شورای نگهبان با آن مخالف باشد؛ چراکه مهم تأمین مصالح، دفع مفاسد، حل چالش‌ها و مشاغل اجتماعی، پویایی نظام تقنینی و نهایتاً ارتقای کارآمدی حکومت اسلامی است.

پشتیبان در تقنین» و «برخورداری از طرفداران بیشتر» را از ضوابط فتوای کارآمد می‌دانند،<sup>۱۲۳</sup> مشخص می‌کند؛ چه آنکه در ایده حاضر، با توجه به منحصر به فرد بودن موضوع پوشش در نظام تقنینی، «نادر بودن فتوا در عین تأمین مصالح» با دو ویژگی مذکور اساساً ناسازگار است. در واقع آنچه که معیار کارآمدی یک فتوا در تقنین مربوط به حوزه پوشش اجتماعی است، «تأمین مصالح اجتماعی» و فارغ از دیدگاه‌های رایج و پرتطرفدار فقهی (میان فقها) است. بنابراین در رویکرد موجود، تأمین مصلحت مهم‌ترین هدف و بلکه تنها محرک در رجوع به فتوای نادر فقیه پرهیزگار است.

راهکار مراجعه به فتاوا و دیدگاه‌ها فقهی کارگشا (هرچند نادر و ناسازگار با مبانی مشهور باشد)، سال‌هاست که مبنای مکتب فقهی «الازهر» مصر<sup>۱۲۴</sup> قرار دارد و فقه اهل سنت، بسیاری از مسائل اجتماعی خود را با استناد به فقه جعفری حل می‌کند؛<sup>۱۲۵</sup> حال چگونه می‌توان به‌کارگیری آن را در میان فقهای شیعه به‌منظور رفع مشکلات فقهی اجتماعی نادیده گرفت و یا انکار کرد؟

### نتیجه‌گیری

استوار بر آنچه گذشت، قانون‌گذاری موازین فقهی پوشش اسلامی سه حوزه عمده را در برمی‌گیرد. نخست مکلف و مخاطب الزام پوشش در فقه است که مشخص شد علاوه بر شهروندان مسلمانان حائز شرایط تکلیف، افراد غیرمسلمان تحت حاکمیت حقوقی حکومت اسلامی (اعم از شهروندان و غیرشهروندان) نیز، در دیدگاه غالب مخاطب و مشمول قوانین موضوعه راجع به پوشش اسلامی خواهند بود. همچنین از جهت موضوع مکانی الزام و التزام به پوشش شرعی براساس قانون، صرفاً محلی مشمول الزام مزبور قانونی خواهد بود که

<sup>۱۲۳</sup> ارسطاء، محمدجواد. «فتوای معیار در قانون‌گذاری». فقه حکومتی، شماره ۷، (۱۳۹۸ب)، صص ۷۶-۷۳.

<sup>۱۲۴</sup> «مجمع بحوث الاسلامیه» یا «نهاد تحقیقاتی و مرجع صدور فتاوی دینی». برای مطالعه در این زمینه مراجعه شود به: محمد بهی، الازهر تاریخچه و تطوره،

قااهرة: وزارة الأوقاف و شئون الأزهر، ۱۳۸۳ق)، ۴۶۸؛ قابل مطالعه در لینک مقابل: [www.B2n.ir/p04445](http://www.B2n.ir/p04445)

<sup>۱۲۵</sup> شیخ شلتوت، مفتی بزرگ و مشهور الازهر در مصاحبه مطبوعاتی با روزنامه ایرانی «اطلاعات» تصریح می‌کند:

«من و بسیاری از برادران و همکارانم، چه در دارالتقریب و چه در مجامع الازهر و چه در شورای فتوا، و چه در کمیسیون‌های احکام خانواده و غیره توانستیم اقبال و آرای از مذهب شیعه را بر مذاهب اهل سنت ترجیح دهیم با آنکه خود سنی بودیم، از باب نمونه در مسأله سه‌طلاقه و یا طلاق معلق و غیراینها ما نظر شیعه را قوی‌تر یافتیم و به آن فتوا دادیم و الان هم قانون مدنی براساس همین نظر شیعه عمل می‌کند نه فتوای مذاهب اهل سنت.» (حمود شلتوت، نشریه رساله الاسلام، انباء و آراء، مصاحبه با روزنامه اطلاعات ایران، سال یازدهم، شماره ۲، ۱۳۷۸ق، ۲۲۰).

هم‌اکنون نیز، نظام فقهی بسیاری از کشورهای اهل سنت، مبتنی بر فقه جعفری، بخشی از مسائل و چالش‌های فقهی اجتماعی را مرتفع ساخته و خود را به فقه اهل سنت (و نه حتی مشهور مذاهب چهارگانه اهل سنت) محصور و محدود ندانسته است. امروزه در نظام فقهی و قانونی کشورهایمانند مصر، اردن و امارات، موضوعات و چالش‌های اجتماعی متعددی همچون «مسئله التزام به شرط ضمن عقد»، «مسئله رضاع»، «مسئله طلاق معلق»، «مسئله سه‌طلاقه»، «مسئله طلاق مست»، «مسئله دو شاهد برای طلاق»، «مسئله عدم سقوط مهریه و نفقه در طلاق خلع»، «مسئله نحوه رجوع در طلاق رجعی»، «مسئله تحول عده زن از نوعی به نوع دیگر»، «مسئله مدت بارداری»، «مسئله جواز وصیت برای وارث»، «مسئله ارث دختر»، «مسئله تغییر عده از سه طهر به یک سال» و «مسئله ازدواج با اهل کتاب»، با ترجیح فقه شیعه و مستند به مبانی آن حل شده است. برای مطالعه بیشتر در این زمینه مراجعه شود به: مکارم شیرازی، ناصر، بی‌تا، *تأثیرگذاری فقه اهل بیت (علیهم‌السلام) در فتاوی علمای اهل سنت و قوانین مدنی کشورهای اسلامی*، تارنمای آیین رحمت (معارف اسلامی و پاسخ به شبهات کلامی)، <https://makarem.ir/maaref/1/0410113>

بخشی از جامعه محسوب شود و قلمرو زندگی خصوصی اشخاص نباشد. نیز گذشت که پوشش الزامی زنان و مردان در نگاه فقیهان، علی‌رغم وجود اختلافات فقهی، دارای حدودی است که رعایت کامل آن، در یک منظومه قانونی مفروض پیرامون پوشش شهروندان، باید مطالبه گردد. با این مقدمه، بدین پرسش پرداخته شد که: اگر قانون‌گذاری در هر یک از سه حوزه مذکور (تعیین افراد مشمول قانون، تعریف محیط‌ها و اماکن اجتماعی و تعیین حدود پوشش الزامی) مبتنی بر فتوای رایج و مشهور امکان‌پذیر نبود و یا چالش‌های اجرایی و عملیاتی را برآمده از اقتضائات و شرایط جامعه به‌دنبال داشت، آیا می‌توان مستند و متکی به فتوایی شاذ از فقیهی پارسا (که ای‌بسا برجسته نیز نباشد)، اقدام به تقنین برخلاف دیدگاه مشهور یا مقبول اکثریت در ساحات سه‌گانه مزبور نمود؟ برای مثال اگر رویکردی فقهی، به حکم اولی و یا ثانوی، قائل به تعدیل و تخفیف هرکدام از سه عرصه پیش‌گفته بود (مثلاً غیرمسلمانان را مخاطب پوشش الزامی نمی‌دانست، یا میهمانی‌های خصوصی را مصداق جامعه تلقی نمی‌کرد و یا برای موی سر زنان قائل به وجوب پوشاندن نبود)، آیا می‌توان با اتکای به آن و به‌منظور پیش‌گیری از چالش‌های اجرایی و اجتماعی (مانند مقبولیت قانون) اقدام به وضع قانون ناسازگار با نظر اکثریت کرد، بدون آنکه اشکال مبنایی و نظری «عدم پیاده‌سازی احکام شرع توسط حکومت اسلامی» به‌وجود آید؟

بررسی‌های انجام‌شده نشان داد، از آنجاکه عناصری همچون «مصلحت»، «تقدیم اهم بر مهم» و «حفظ نظام» نقش بنیادینی در نظام اداره اسلامی دارند، می‌توان برای حل چالش‌های محقق‌تقنینی، مبتنی بر دیدگاه‌های شاذ فقیه یا فقه‌های پرهیزگار و متعهد، قانون وضع کرد و از این مجرا، بدون پیش‌آمد اشکال‌های مبنایی، از ایجاد بن‌بست‌های تقنینی در نظام اسلامی مبتنی بر فقه پویای شیعه، جلوگیری به‌عمل آورد؛ همچنان که کشورهای اسلامی اهل سنت، مبتنی بر آراء فقهی شیعه، برخی معضلات فقهی خود در تقنین بر مبنای شریعت را برطرف کرده‌اند.

## منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم
۲. ابن‌ادریس، محمد بن احمد. چاپ دوم. السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی. قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۰ق.
۳. ابن‌بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی. من لایحضره الفقیه. قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۰۴ق.
۴. ابن‌براج، عبدالعزیز. المذهب. قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۰۶ق.
۵. ابن‌حمزه، محمد بن علی. الوسيلة. تحقیق: الحسون، محمد، قم: منشورات مکتبه آية الله العظمی المرعشی النجفی<sup>(ه)</sup>، ۱۴۰۸ق.
۶. ابن‌فهد حلّی، احمد بن محمد. المذهب البارع فی شرح المختصر النافع. قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ق.
۷. ابن‌قدامة، عبدالله بن محمد. چاپ سوم. المغنی. ریاض: دار عالم الکتب، ۱۴۱۷ق.
۸. ابوالصلاح حلّی، تقی‌الدین بن نجم‌الدین. الکافی فی الفقه. اصفهان: مکتبه الإمام امیرالمؤمنین<sup>(علیه‌السلام)</sup>، ۱۴۰۳ق.
۹. ارسطو، محمدجواد. «فتوای معیار در قانون‌گذاری». فقه حکومتی، شماره ۷، (۱۳۹۸ب)، صص ۵۵-۸۲.
۱۰. ارسطو، محمدجواد. تحلیل مبنایی نظام جمهوری اسلامی ایران. تهران: مجد، ۱۳۹۸ الف.
۱۱. اشتهازدی، علی‌پناه. مدارک العروة. تهران: اسوه، ۱۴۱۷ق.

۱۲. انصاری، مرتضی. کتاب الصلاة. قم: المؤتمر العالمي بمناسبة الذكرى المئوية الثانية لميلاد الشيخ الأعظم الأنصاري<sup>(ه)</sup>، ۱۴۱۵ق.
۱۳. بحرانی، یوسف بن احمد. الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة. قم: مؤسسة النشر الاسلامي، ۱۴۰۵ق.
۱۴. بهی، محمد. الأزهر تاريخه و تطوره. قاهره: وزارة الأوقاف و شؤون الأزهر، ۱۳۸۳ق.
۱۵. ترکاشوند، امیرحسین. حجاب شرعی در عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله). تهران: امیرحسین ترکاشوند (انتشار غیررسمی)، ۱۳۸۹.
۱۶. ترمذی، محمد بن عیسی. سنن ترمذی. بیروت: دارالغرب الإسلامي، ۱۹۹۸.
۱۷. الجزیری، عبدالرحمن بن محمد عوض. چاپ دوم. الفقه على المذاهب الأربعة. بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۴ق.
۱۸. حاجزاده، هادی. «فتاوی معیار در قانون گذاری در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران (نگاهی دوباره به مفهوم علمیت در منظومه فقه حکومتی شیعه)»، فقه و اصول، شماره ۳، ۱۳۹۴، صص ۵۹۸۷.
۱۹. جوادی آملی، عبدالله. چاپ هجدهم. ولایت فقیه: ولایت، فقاها و عدالت. قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۹۵.
۲۰. جهانگیری، محسن و محمدعلی بنابی خیرآبادی. «فتاوی معیار در قانون گذاری؛ انطباق با مصالح الزامی»، آموزه های فقه مدنی، شماره ۲۳، ۱۴۰۰، صص ۹۱-۱۱۸.
۲۱. حر عاملی، محمد بن حسن. تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة. قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث، ۱۴۱۶ق.
۲۲. حرانی، حسن بن علی. چاپ دوم. تحف العقول عن آل الرسول. قم: مؤسسه النشر الاسلامي، مصحح: غفاری، علی اکبر، ۱۴۰۴ق.
۲۳. حکیم، سید محسن. چاپ پنجم. حقائق الاصول. قم: بصیرتی، ۱۴۰۸ق.
۲۴. حکیم، سید محسن. مستمسک العروة الوثقی. قم: چاپ افست، ۱۴۰۴ق.
۲۵. خویی، سید ابوالقاسم. چاپ سوم. التنقيح في شرح العروة الوثقی. قم: دارالهادی، ۱۴۱۰ق.
۲۶. راشدی، لطیف. چاپ هفتم. رساله توضیح المسائل نه مرجع. تهران: پیام عدالت، ۱۳۹۱.
۲۷. رضا حق پناه و مزینان محمدزاده، «واکاوی دیدگاه فقیهان امامیه در حد پوشش محارم»، آموزه های فقه عبادی، شماره ۴، (۱۴۰۱)، صص ۳۵-۶۰.
۲۸. روشن، محمد. «محدوده حجاب جهان گردان و اتباع بیگانه در کشورهای اسلامی»، حجاب؛ مسئولیت-ها و اختیارات دولت اسلامی. تدوین: ابراهیم شفیعی سروسستانی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷، صص ۶۲۷-۶۰۵.
۲۹. الزحلی، وهبة بن مصطفى. چاپ چهارم. الفقه الاسلامی و ادلته. دمشق: دارالفکر، ۱۴۰۹ق.
۳۰. سبزواری، محمدباقر بن محمد. ذخیره المعاد في شرح الإرشاد. قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث، بی تا.
۳۱. سبزواری، محمدباقر بن محمد. کفاية الاحکام. قم: مؤسسه النشر الإسلامي، بی تا.
۳۲. سهیلا صلاحی اصفهانی و اعظم فراست. «نگاهی دوباره به پوشش زنان جهان گرد»، حجاب؛ مسئولیت-ها و اختیارات دولت اسلامی. تدوین: ابراهیم شفیعی سروسستانی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷، صص ۶۴۶-۶۲۹.
۳۳. سیفی مازندرانی، علی اکبر. احکام الستر و النظر (دلیل تحریر الوسيلة الإمام الخميني). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی<sup>(ه)</sup>، ۱۴۱۷ق.

۳۴. شعیب، میثم. «واکاوی ادله تکلیف کفار به فروع در احکام شرعی»، دوفصلنامه پژوهشنامه فقهی، شماره اول، (۱۳۹۵)، ۸۹-۱۱۵.
۳۵. صانعی، یوسف. بلوغ دختران (فقه و زندگی ۷). قم: فقه‌الثقلین، ۱۳۸۵.
۳۶. صدر، شادی. مجموعه قوانین و مقررات پوشش در جمهوری اسلامی ایران. تهران: کتاب نیلی، ۱۳۸۹.
۳۷. صدر، محمدباقر. الإسلام يقود الحياة. تهران: المؤتمر العالمي لائمة الجمعة و الجماعة، ۱۴۰۳ق.
۳۸. صدر، محمدباقر. لمحة فقهية تمهيدية عن مشروع دستور الجمهورية الإسلامية في إيران، قم: مطبعة الخيام، ۱۳۹۹ق.
۳۹. طباطبایی حائری، سیدعلی. ریاض المسائل في تحقيق الأحكام بالدلائل. قم: مؤسسة آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث، ۱۴۱۸ق.
۴۰. طوری قادری، محمدبن حسین. تکملة البحر الرائق. بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۷ق.
۴۱. طوسی، محمدبن حسن. الإستبصار فی ما اختلف من الأخبار. تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۴۰۴ق.
۴۲. طوسی، محمدبن حسن. التبیان في تفسیر القرآن. بیروت: دار إحياء التراث العربي، بی تا.
۴۳. طوسی، محمدبن حسن. تهذیب الأحكام فی شرح المقنعة للشيخ المفید<sup>(۵)</sup>. تهران، دارالکتب الإسلامية، ۱۴۰۶ق.
۴۴. طوسی، محمدبن حسن. چاپ دوم. الخلاف. قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸.
۴۵. طوسی، محمدبن حسن. چاپ سوم. المبسوط في فقه الإمامية. تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، ۱۳۸۷ق.
۴۶. عاملی (شهید اول)، محمدبن مکی. الألفية والنقلية. قم: مكتب الإعلام الإسلامي، ۱۴۰۸ق.
۴۷. عاملی (شهید اول)، محمدبن مکی. چاپ دوم. الدروس الشرعية في فقه الإمامية. قم: مؤسسة النشر الاسلامي، ۱۴۱۷ق.
۴۸. عاملی (شهید اول)، محمدبن مکی. ذکرى الشيعة في أحكام الشريعة. قم: مؤسسه آل البيت (عليهم السلام)، ۱۴۱۹ق.
۴۹. علامه حلی، حسن بن یوسف. تذکرة الفقهاء. قم: مؤسسه آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث، ۱۴۱۴ق.
۵۰. علامه حلی، حسن بن یوسف. قواعد الأحكام. قم: مؤسسه النشر الإسلامي، ۱۴۱۳ق.
۵۱. علامه حلی، حسن بن یوسف، چاپ دوم. مختلف الشيعة في احكام الشريعة. قم: مؤسسه النشر الإسلامي، ۱۴۱۳ق.
۵۲. فاضل مقداد، جمال الدين بن عبدالله. التنقيح الرائع لمختصر الشرائع. قم: مكتبة آيت الله المرعشي النجفي<sup>(۵)</sup>، ۱۴۰۴ق.
۵۳. فاضل هندی، محمدبن حسن. كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام. قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۶ق.
۵۴. فراهیدی، خلیل بن احمد. کتاب العين. بیروت: دار و مكتبة الهلال، بی تا.
۵۵. فرحی، علی. تحقیق در قواعد فقهی اسلام. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (عليه السلام)، ۱۳۹۰.
۵۶. کرکی، علی بن حسین. چاپ دوم. جامع المقاصد في شرح القواعد. قم: مؤسسه آل البيت (عليهم السلام)، ۱۴۱۴ق.
۵۷. کلانتری، علی اکبر. چاپ پنجم. فقه و پوشش بانوان. قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۱.
۵۸. کلینی، محمدبن یعقوب. الأصول من الكافي. تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۴۰۴ق.

۵۹. مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (عليهم السلام). بيروت: دار إحياء التراث العربي، ۱۴۰۳ ق.
۶۰. محقق حلی، جعفر بن حسن. المعتبر في شرح المختصر. قم: مؤسسة سيد الشهداء (عليه السلام)، ۱۴۰۷ ق.
۶۱. محقق حلی، جعفر بن حسن. چاپ دوم. شرایع الاسلام في مسائل الحلال والحرام، تهران: استقلال، ۱۴۰۹ ق.
۶۲. مشکینی، علی. چاپ پنجم. اصطلاحات الاصول. قم: نشر الهدای، ۱۳۷۱.
۶۳. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد. چاپ چهارم. مجمع الفائدة و البرهان في شرح ارشاد الاذهان. تحقیق: عراقی، مجتبی. قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۹۲.
۶۴. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد. زبدة البيان في أحكام القرآن. تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، بی تا.
۶۵. مکارم شیرازی، ناصر، احکام خانواده، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب (عليه السلام)، چاپ دوم، ۱۳۸۹.
۶۶. مکارم شیرازی، ناصر. چاپ دوم. استفتائات جدید. قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب (عليه السلام)، ۱۴۲۷ ق.
۶۷. مکارم شیرازی، ناصر. کتاب النکاح. قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (عليه السلام)، ۱۴۲۴ ق.
۶۸. منتظری، حسین علی. چاپ بیست و یکم. رساله توضیح المسائل. تهران: انتشارات سرایی، ۱۳۸۱.
۶۹. موسوی خمینی، سید روح الله. استفتائات. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ع)، ۱۳۶۹.
۷۰. موسوی خمینی، سید روح الله. تحریر الوسیله (تک جلد). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ع)، ۱۴۲۱ ق.
۷۱. موسوی خمینی، سید روح الله. چاپ چهارم. تحریر الوسیله (دو جلدی). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ع)، ۱۳۹۴.
۷۲. موسوی خمینی، سید روح الله. صحیفه امام (ع). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ع)، ۱۳۸۹.
۷۳. موسوی عاملی، محمد بن علی. چاپ دوم. مدارک الأحکام في شرح شرائع الإسلام. مشهد: مؤسسة آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث، ۱۴۲۹ ق.
۷۴. موسوی عاملی، محمد بن علی. نهیة المرام في شرح مختصر شرائع الإسلام. قم: مؤسسة النشر الإسلامي، ۱۴۱۳ ق.
۷۵. میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمد حسن. غنائم الأيام في مسائل الحلال والحرام. قم: مكتب الإعلام الإسلامي، ۱۳۷۸.
۷۶. نجفی، محمد حسن. چاپ هفتم. جواهر الکلام في شرح شرائع الإسلام. بيروت: دار إحياء التراث العربي، ۱۴۰۴ ق.
۷۷. نراقی، احمد بن محمد مهدی. عوائد الايام في بيان قواعد الاحكام و مهمات مسائل الحلال و الحرام. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵.
۷۸. نراقی، احمد بن محمد مهدی. مستند الشيعة في أحكام الشريعة. مشهد: مؤسسه آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث، ۱۴۱۵ ق.
۷۹. نشریه رساله الاسلام، انباء و آراء، شلتوت، محمود، مصاحبه با روزنامه اطلاعات ایران، سال یازدهم، شماره ۲، ۱۳۷۸ ق.
۸۰. نوری، حسین بن محمد تقی. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. بيروت: مؤسسة آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث، ۱۴۰۸ ق.

81. [www.ahkam.makarem.ir](http://www.ahkam.makarem.ir)

82. [www.ahkam.makarem.ir](http://www.ahkam.makarem.ir)

83. [www.entekhab.ir](http://www.entekhab.ir)

84. [www.makarem.ir](http://www.makarem.ir)
85. [www.nazarat.shora-rc.ir](http://www.nazarat.shora-rc.ir)
86. [www.old.makarem.ir](http://www.old.makarem.ir)
87. [www.saafi.com](http://www.saafi.com)